

۷ چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۲۳	روزنامه
هنر • روزنامه	
از دو طرف تحت فشار بودم	صفحه ۸
تصویر بی نقاب یک بازیگر خاکستری	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

هیروشیما عشق من

سینمای علمی – تخیلی و اثری متفاوت

در ستایش نافرمانی



فرانز خطیبی

ترجمه این نام «The hunger games» کمی به زبان فارسی در دو یا چند کلمه مشکل است. بعضی از مطبوعات ایران به «عطش مبارزه» ترجمه کرده‌اند، هر چند برگردان تحت‌اللفظی این نام درست بوده، اما اگر شما داستان را ببندید متوجه دوربودن برگردان فارسی از مفهوم نام این فیلم می‌شوید.

«هانگر گیمز» مضمون اصلی سه جلد کتاب پرفروشی است که «سوزان کولینز» در سال ۲۰۰۹ میلادی نوشته و هالیوود آن را سال ۲۰۱۰ به تصویر کشیده‌است. هانگر گیمز مجموعه بازی‌های توحشی است که فرد شرکت‌کننده برای پیروزشدن باید خون بریزد. داستان جایی در سال‌های آینده یا به اصطلاح «فرا آپوکالیپس» در سرزمین «پانم» اتفاق می‌افتد. پانم شامل ۱۲ منطقه و کاپیتول یا همان پایتخت است. هماندن سیاست رومیان باستان، کاپیتول هر سال طی قرعه‌کشی از هر منطقه دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله را برای شرکت در بازی‌های مرگ انتخاب می‌کند. قانون این بازی‌ها بر گرفته از مبارزات گلادیاتوری کشتن یا کشته‌شدن است.

در نهایت تنها بازمانده بازی‌ها به‌عنوان قهرمان صاحب ثروت و شهرت زیادی می‌شود. بازی‌ها به‌صورت مستقیم برای مردم سراسر کشور پخش می‌شود و هدف از آن جلوگیری از شورش و جنگ مجدد یا به عبارتی ایجاد رعب و وحشت از هر گونه مخالفت با کاپیتول است. در این بازی‌هاست که نام‌داستان معنای‌یابد. هانگر یا گرسنگی معطوف به ولع و اشتهای سیری‌ناپذیر قدرت برای سرکوب و کشتن است. از سوی دیگر هانگر اشاره به قهرمان‌های مسابقات دارد که میان دوراهی ثروت



یا گرسنگی و فقر باید بچنگند، بکشند تا زنده بمانند. کتنس شخصیت اصلی داستان، دختر ۱۶ساله و کم‌اندازی است که به‌عنوان داوطلب از فقیرترین منطقه کشور پانم -مناطق ۱۲- انتخاب و وارد بازی‌ها شده تا بر اساس خواست روسای پلم هانگ‌ها بشکوه و فریبنده‌ای برای کشته‌شدن آنچه کتاب و فیلم را متفاوت از سایر داستان‌های ژانر علمی– تخیلی می‌کند، توصیف جوامع آینده فارغ از اغراق‌های تکنولوژیکی و تأکید بر صفات انسانی است.

مفاهیمی چون سرکوب، تابعیت، پروپاگاندا و شهرت از یک طرف، سرکشی، انقلاب، تزلزل و ناامیدی، امید به تغییر از طرف دیگر مفاهیمی هستند که شخصیت‌های داستان با آن در هر تصمیمی که می‌گیرند یا هر اتفاقی که برایشان می‌افتد مواجهند. کتنس قهرمان داستان بارها سعی می‌کند خود را از این روند قهرمان‌سازی دور کند تا به زندگی عادی و فقیرانه کنار اعضای خانواده‌اش بازگردد. اما این روند برخلاف آن چیزی است که «اسنو» رئیس‌جمهور کشور پانم برای او در انتظار دارد. اسنوو می‌خواهد او را قهرمان کرده و به شهرت برساند. شهرت یکی از درونمایه‌های اصلی داستان است که در فیلم بسیار به‌مندرانه به تصویر کشیده شده است.

افراق در پوششش، آرایش و آراستگی بیش از حد، به‌همراه زندگی پر زرق و برقی که به داوطلبان مسابقات داده می‌شود، حکایت از ظاهری‌بودن زندگی دارد. زندگی ساکنان کاپیتول خالی از محتوا و تنها در صورت فریبنده است. آنها برای پر کردن زندگی خود جوانانی را به بازی می‌گیرند، از آنها مدل‌های باشکوه و فریبنده‌ای برای کشته‌شدن می‌سازند و هر ساله با این داستان تفریح می‌کنند. فضای کشوری که خاتم کولینز نویسنده داستان توصیف می‌کند، یادآور زمان ۱۹۸۴ جورج اورول است؛ فضایی امنیتی که زیر نگاه برادر بزرگ‌تر ساخته شده و اطاعت محض است.

دنیایی که کنترل می‌شود و ریاست آن با رئیس‌جمهوری است که همانند کارگردان فیلم «نمایش ترومن» صحنه بازی‌ای برای شهروندان خود طراحی کرده و همگان باید بر اساس اراده او و نقش از پیش تعریف‌شده‌ای که برایشان ساخته، بازی کنند. داستان در فیلم نخست سراسر اطاعت و به رخ کشیدن قدرت مطلق کاپیتول است تا جایی که یک دختر عادی در بازی از پیش تعیین‌شده در جایی که باید قهرمان می‌شد و آخرین نفر را می‌کشت، سرپیچی می‌کند و نقش خود را به فرد دیگری می‌دهد. همین نقطه آغاز تغییر شخصیت کتنس و تبدیل او به یک شورش‌ی و تلاش کاپیتول برای شکاندن و زنده‌ماندن غیرقانونی او و همه همراهانش، تبعید کتنس به دور جدیدی از بازی‌ها سرآغاز فیلم‌های دوم و سوم است. فیلم‌های اول و دوم محصول سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی بوده و قسمت سوم در دو بخش با مضمون انقلاب هم‌اکنون در حال ساخته شدن است.

نگاهی به اثری از «جف نیکولز»

از دحام تنهایی



عشق دور از دسترس در سومین تجربه جف نیکولز خودنمایی می‌کند و گویی عشق به معجزای محتاج است تا خود را از بند زلّال رها کند. الیس و نکبسون دو دوست صمیمی‌اند که در منطقه‌ای ساحلی حوالی می‌سی‌سی‌پی و دور از شهر، زندگی می‌کنند. یک روز برای سفری اکتشافی، همراه با قایق، به جزیره‌ای در میان آب می‌روند، با مردی مرموز، درشت‌اندام، زولیده و متزلزل به‌نام ماد (متیو مک کانهی) روبه‌رو می‌شوند که از آنها برای رسیدن به عشق ناممکن کودکی‌اش جونیپر «ریز وینترسیون» تقاضای کمک می‌کند و این دو پسر برای به‌هم‌رساندن عاشق و معشوق خود را به آبی‌آوش می‌زنند. در ادامه الیس متوجه می‌شود که پلیس به‌دنبال ماد می‌گردد. جف نیکولز در این فیلم توانسته به زیبایی از دحام تنهاییان موردنظر فلاسفه اگزیستانسیالیست را بسرای مخاطب به تصویر بکشد، نکبون مانند ماد، پدر و مادرش را از دست داده، عموی او (گیلن) از فرط تنهایی مدام از بچه‌ها می‌خواهد یا او حرف بزنند، والدین الیس هیچ انگیزه‌ای برای ادامه زندگی مشترک ندارند و با الیس مانند یک شخص غریبه رفتار می‌کنند و تام که همسر و فرزندش چندین سال قبل مرده‌اند، پیله تنهایی را دور خود تنیده است و این همان فردیت تحمیل‌شده‌ای است که در الیس که قلب عاطفی فیلم است پررنگ‌تر است.

جف نیکولز توانسته با کم‌رنگ‌کردن مرز قصه و واقعیت و روایت داستانی سراسر درگیرکننده، ساختاری نسبتاً مطلوب و هماهنگ با خردمردوایت‌های داستان مانند اختلاف بین والدین الیس، علاقه او به دختر هم‌عجله خود، و ارایه کند. البته نباید از تأکید زیاد بر طبیعت و حضور آن در زندگی شخصیت‌های داستان گذشت. از نقدهای پذیرفتنی‌ای که به فیلم وارد شده، طولانی‌بودن زمان فیلم (۱۳۰ دقیقه) است. اما نیکولز با قرینه‌ساختن شخصیت پسر نوجوان (الیس) و ماد کمک زیادی به‌جاقفانان این درام و شکل‌گیری انسجام روایی آن کرده است. آشنایی الیس با دختر سال‌بالایی مدرسه (می‌پرل) و ورودش به دنیای جنس مخالف، مراحل مختلف بلوغ و فروزفرود فکری او با ماجرای هیجان‌انگیز و عشقی ماد و جونیپر شبیه‌سازی شده است. تا آنجایی که الیس در رویاهای شیرین نوجوانی، دختر را همدم خود می‌داند همین حد غیرقابل وصف است که موجب می‌شود او تمام تلاش خود را بکند تا ماد به معشوقه‌اش، جونیپر، برسد. جیمز بردبنلی، منتقد سینما، قهرمانان این فیلم یعنی دو نوجوان ۱۴ساله به نام‌های الیس «تای شرایدن» که تنها تجربه قبلی او بازی در درخت زندگی است، یک نیکن «جیکوب لافلندر» را به‌نوعی تداعی‌کننده «تام سایر» و «هاکلبری‌فین» و شخصیت بزرگسال اصلی فیلم را نیز نه برده‌ای فرازی، جیم، که فراری دیگری بنام ماد می‌داند.

در سال ۲۰۱۱ دومین فیلم جف نیکولز به نام پناهیگر به‌شدت موردپسند منتقدان قرار گرفت، وی قبل از آن در سال ۲۰۰۷ اولین فیلم خود به نام «داستان‌های شات‌گان» را کارگردانی کرده بود. در آخر اینکه mud در فهرست ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۳ از نگاه خوانندگان روزنامه گاردین نیز قرار گرفته است.



ساندرا بولاک در صحنی از فیلم «جادو»

فیلم پر سروصدای «جاذبه» چه می‌گوید؟

عصر یکه‌تازی متوسط‌ها

ساندرا بولاک در صحنی از فیلم «جادو»

با پایگاه زمینی چین ارتباط برقرار کند، اما چینی‌ها از ارتباط کلامی به زبان انگلیسی عاجزند! باورپذیر نیست چینی‌ها در حد ابتدایی انگلیسی بلد نباشند، خلاصه اینکه آمریکایی‌ها می‌توانند قدرت‌های نمادین شرق (روسیه و چین) را به‌همین سادگی در هم پیچند و پیروزمندانه به هدف برسند.

جاذبه فیلم بزرگی نیست، رنگ‌وبوی فیلم‌های متوسط را دارد؛ نه سوزۀ بکری دارد و نه اجرایش آنچنان دندان‌گیر و شگفت‌انگیز است. اما فیلم است، یعنی می‌تواند در مدت‌زمان اندک مخاطبیش را همراه کند. این هنر هالیوود است که از سوزۀ‌های تکراری، فیلم‌های نسبتاً پرفروش، اما متوسط تولید کند. مثل جاذبه، مثل آر گوه؛ فیلم‌هایی برای عصر و دوره‌ای متوسط. دوره‌ای که اوباما رئیس‌جمهور آمریکا باشد، پوتین رئیس‌جمهور روسیه و جینیپینگ رئیس‌جمهور چین.

حتماً مخاطبان فیلم‌های هالیوودی از دیدن جاذبه خسته و دل‌آزرده نمی‌شوند. حتماً برای ساندرا بولاک دست می‌زنند و حتماً برایش گلدن گلوب و اسکار آرزو می‌کنند. حتماً اسکار بهترین کارگردانی را برازنده کارگردان یعنی آلفونسو کوارون می‌دانند. به نظر می‌رسد آرزویشان دور از دسترس هم نباشد. همان‌طور که آرگو پیروزمندانه جوایز را تصاحب کرد، جاذبه هم بی‌نصیب نمی‌ماند.



این فیلم صداگذاری و تدوین آن است. به یمن استعداد شستونایی ایندیا در این فیلم به صدا و موسیقی پرداخت فراوانی شده. می‌توان گفت که صدا در این فیلم تبدیل به یک کاراکتر شده که حرفی برای گفتن دارد. در یکی از سکانس‌های فیلم زمانی که ایندیا و چارلی در حال پیانو‌زدن هستند تدوین، موسیقی و بازی این دو ترکیبی را به وجود آورده‌اند که می‌توان سیر تکاملی ارتباط این دو را به خوبی در این چند دقیقه دید. با مثلاً سکاسی که ایندیا مشغول شانه کردن موهای مادر است تصویر بسته‌از موهای او کم‌کم تبدیل به علفزار می‌شود. یا جایی که ایندیا مشغول پوست‌کندن تخم‌مرغ پخته است با صدای ترک‌خوردن پوست تخم‌مرغ حس او به خود و اطرافش را می‌توان به خوبی درک کرد. در این فیلم گزینه شکار در انسان به حدی می‌رسد که کشتن انسان دیگر مفهوم پیچیده‌ای ندارد. رفتاری است حتی خوشایند. این داستان دختری است که شخصیت جنایتکار درون او با آسندن عمویش بیدار می‌شود.

کاملاً داستانی بسازم. اما اگر دوباره ضرورت بازگشت به موضوع نسل‌کشی خمرهای سرخ را احساس کنم، این کار را خواهم کرد. وگرنه خبر. پرونده سوالات پیرامون موضوع نسل‌کشی برای من همچنان گمشده است. اما خودم را یک تاریخدان یا یک محقق خمرهای سرخ نمی‌دانم، من خودم را یک کارگردان سینما می‌دانم.

کسب جایزه اصلی بخش نوعی نگاه شصت‌وششمین جشنواره فیلم کن برایتان چه معنایی دارد؟

خب، برای من و عوامل فیلمم بسیار بزرگ است. همچنین برای کشورم کامبوج هم با اهمیت است. به‌خاطر اینکه در حال حاضر ما در تلاطم‌ی نشان دهیم قالیی است. می‌خواهم به‌سادگی بگویم که یک فیلم هست. برای ساخت آن مثل یک مستند تحقیق کردم، اما در پایان برخی از مولفه‌ها حسِ داستانی داشتند. برای من همیشه بهترین فیلم‌ها تلفیقی از این دو هستند. برای مثال کارهای جان کاساتویس را در نظر بگیرید آنها فیلم‌هایی داستانی‌اند اما به‌طور واضحی واقعی‌اند. طعم واقعیتشان طولانی است. شما حتی می‌توانید از کارهای اولیه مارتین اسکورسیزی نام ببرید. فیلم «راننده تاکسی» احساسی خیلی نزدیک از زندگی است. من زمانی را دوست دارم که برخی از واقعیت‌های اجتماعی را با یک فیلم داستانی احساس می‌کنیم.

«لخصاً برای شما بازگشت به خاطرات طی دوران فیلمسازی‌تان چگونه‌است؟

من قادر به پاسخگویی به همه سوالات درباره نسل‌کشی کامبوج نیستم. اما تلاش می‌کنم به برخی از آنها پاسخ دهم. اگر شما فیلم‌های قبلی‌ام؛ «اس ۲۱: ماشین مرگ خمرهای سرخ» (۲۰۰۳)، سپس «دوچ: همه‌کاره کوره آتش جهنم» (۲۰۱۱) و بعد «تصویر گمشده» (۲۰۱۳) را ببینید، امیدوارم رفتارفته درک بهتری از موضوع پیدا کنید. واقعاً دوست دارم یک فیلم

تنهایی و درماندگی را به زور نشان می‌دهد، اما تام هنکس تنهایی را باور کرده و برای به‌تصویر کشیدنش زور نمی‌زند. اگر هالیوود و میل به زندگی و مانیفست لذت‌بردن نبوده، روح بزرگوارانه و امیدبخش مت کووالسکی (کلونی) سر نمی‌رسید و دکتر رایان استون (بولاک) همانجا درون فضایی‌مای روسی تمام کرده بود. اما مانیفست قهرمانانه هالیوودی‌ها نمی‌گذارد خودکشی پایان کار باشد. زندگی باید ادامه پیدا کند. به‌شکل قهرمانانه هم باید ادامه پیدا کند؛ آمریکایی‌وار. این سنت آمریکایی و کارخانه روباسازی هالیوود است. آمریکایی باید پیروزمندانه در انتهای فیلم در تیریس دوربین قرار بگیرد و یکه باشد و رستگار شود.

جاذبه برای آنها که دنبال بیپایه‌های سیاسی در فیلم‌های هالیوودی هستند، خوراک گل‌درشتی هم دارد. مانیفست کارگردان این است که اگر شاتل آسیب دید، یک فضانورد آمریکایی می‌تواند خودش را به فضایی‌مای رقیب یعنی روسیه برساند و سایوز بی‌سوخت را به هر تر‌فندی که شده راه بیندازد و خودش را برساند به فضایی‌مای رقیب دیگر یعنی شتزووی چینی‌ها و با آن تا زمین برسد. مهم نیست که معمولاً کسی جز خود چینی‌ها از رسم‌الخطشان سر در نمی‌آورد، اما کاتالوگ شتزو در دسترس است و می‌توان با آشنایی بر شکل قطعات بر رموز آن دهنه زده، رامش انداخت و راهی زمین شد. آن لحظه را به یاد بیاورید که ساندرا بولاک پشت شتزو نشسته و سعی می‌کند از طریق رادیو



کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از دست داده. پدری که با او به شکار کشته می‌شود و عمویی که تا به حال او را ندیده به خانه آنها می‌آید و مادر ایندیا (نیکل کیدمن) از حضور او استقبال می‌کند. عموی ایندیا، چارلی سعی دارد با برادرزاده لجباز و درونگرایی خود ارتباطی دوستانه برقرار کند اما در ابتدا خیلی موفق نیست. پاسخ ایندیا به این مرد جذاب این است: «اما فامیل هستیم، احتیاجی نیست دوست باشیم». مادر ایندیا (نیکل کیدمن) رابطه خوبی با دخترش ندارد و حتی زمانی که این‌دو، یک درد مشترک را از تجربه می‌کنند، مرگ پدر و همسر، ایندیا از اینکه او حالش خیلی بد نیست ناراحت است. ایندیا از اینکه مادرش به او محبت کند یا دست بزند به وضوح بدش می‌آید. ایندیا بهترین و تنها دوست خود یعنی پدرش را از